

ش سندلی (ش داوطلب):

نام خانوادگی:

سؤال امتحان درس: انشا

نام:

نام دبیر: جناب آقای رضایی

نام پدر:

نوبت امتحانی: دی ماه

پایه: هفتم

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

ساعت امتحان: ۷:۳۰ صبح

وقت امتحان: ۱۰ دقیقه

تاریخ امتحان: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷

تعداد برگ سؤال: ۱ برگ

محل مهر با
امضاء مدیر

سؤال

۲/۵

۱. سرعت و برنامه‌ریزی در نوشتن را باید از مهم‌ترین توانایی‌های یک نویسنده خوب دانست. در مورد «اضطراب ایام امتحانات» متنی در حد پنج سطر بنویسید. برای این کار تنها پنج دقیقه فرصت دارید و برگه‌ها پس از اتمام زمان معین، جمع‌آوری خواهد شد. کوتاهی، نیمه‌تمام بودن، محتوای بی کیفیت، آشفتگی مطالب، بی نظمی و بدخطی شدید متن شما موجب کسر نمره خواهد شد.

مای درس
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۲/۵

۲. تلاش کنید آنچه شنیدید را تا حدّ ممکن مشابه با متن اصلی بازنویسی کنید. لطفاً تمام مطالب را نقل کنید و هیچ چیزی را حذف ننمایید. میزان شباهت متن شما از نظر ادبیات و محتوا نسبت به متن اصلی، نمره شما را تعیین می کند:

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

ساعت امتحان : ۷:۳۰ صبح
وقت امتحان : ۴۵ دقیقه
تاریخ امتحان : ۱۳۹۶ / ۱۰ / ۱۷
تعداد برگ سؤال : ۲ برگ

ش صندلی (ش داوطلب) :
نام خانوادگی :
نام :
نام پدر :
پایه : هفتم
سال تحصیلی : ۹۶-۹۷
نام دبیر : جناب آقای رضایی
سؤال امتحان درس : انشا و املا

! دو سؤال را در بخش قبلی پاسخ دادید. حال به ادامه امتحان می پردازیم.

۳. متن زیر را نویسنده‌ای با ادبیات عامیانه نوشته است. شما با توانایی‌های خود این نوشته را به صورت رسمی، بازنویسی کنید.

رُک و راست باید بگویم که کلاس ادبیات عند همه کلاس‌ها است. اصلاً ما که زمین خورده این کلاس و معلم‌هایش هستیم. یک جورهایی می‌خواهیم درس بخوانیم که وسط این کلاس خیط نکنیم. معلم‌های ادبیات هم همیشه بامرام‌ترین معلم‌های مدرسه هستند. انگار نه انگار که ما لات هستیم و خوراکمان کرم ریختن به این بچه‌قوتی‌های مدرسه و ضدّ حال اساسی برای همه سوسول‌ها است. معلم ادبیات ما به جای اینکه وقتی گند می‌زنیم با ما در بیافتد، با شعر و این جور چیزها ما را از خریّت نجات می‌دهد.

مای درس

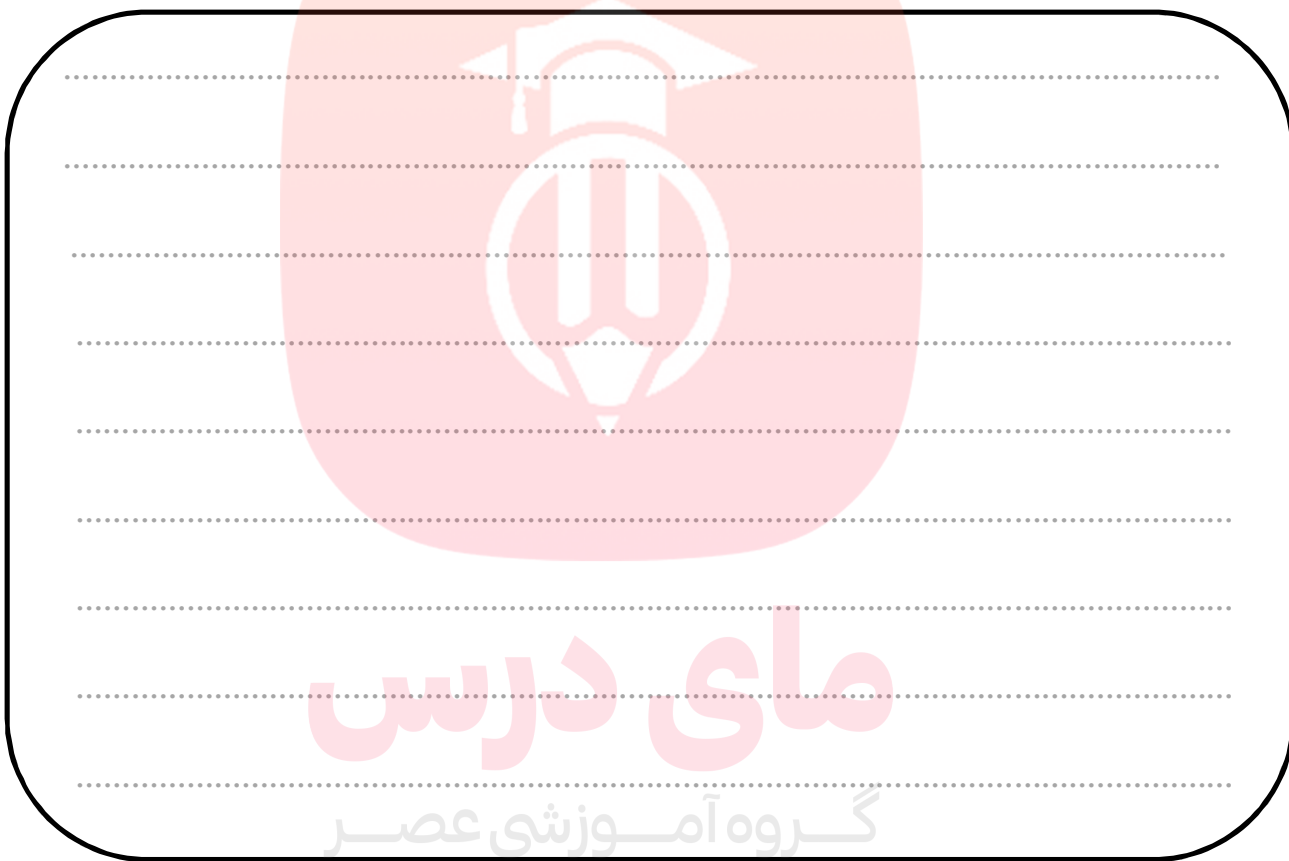
گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۳

۴. در بازنویسی خود از این متن، ادبیات محاوره‌های (گفتاری) را به ادبیات نوشتاری تغییر دهید.

تو دنیا همه چی یه ربطی به اینترنت پیدا می‌کنه. قبلنا اینطوری نبود، ولی الان دیگه از زن و مرد و پیر و جوون دارن از صب تا شب یه سره از این اختراع عجیب بشر استفاده می‌کنن. یکی پیام می‌ده، یکی بازی می‌کنه، یکی پول درمیاره، یکی دنبال خبراس، یکی دستور آشپزی می‌گیره و تازگیا تاکسیا هم اینترنتی شدن. برای همینم کمتر می‌شه تو کوچه و خیابون صدای کسی رو شنید که داره داد میزنه: «سید خندان دو نفر...»



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

۳

۵. حکایت زیر را با لحن ساده و روان امروز بازنویسی کنید.

یاد دارم که در ایام طفولیت متعبّد بودمی و شب خیز. شبی در خدمت پدر رحمه الله علیه نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نیسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: «از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگذارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند.» گفت: «جان پدر! تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق افتی.»



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

